



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۴۷

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سه شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۰۹ - بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه : ۱۲ تومان
داخه : ۱۰ تومان
تک شماره : یکقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و پنجم شهریور ماه ۱۳۰۹ * (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
 ۲ (تصویب يك فقره مرخصی)
 ۳ (بقیه شور لایحه استخدام افراد و ردیف افراد نظمه از ماده ۱۰)
 ۴ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و سوم شهریور ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند *
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی .. در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند نمیدانم چه شده است ، سهو قلم شده است در صورتیکه بنده چهار بظهر مانده اینجا بودم
 رئیس .. غالباً مراقبت آقا در حضور مجلس پیش ما مشهود است . غفلت شده اصلاح میشود . آقای آقاسید یعقوب
 صورت مجلس روز یکشنبه بیست و سوم شهریور ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند *
 آقاسید یعقوب .. اینج در ماده دوازده قانون تشکیل اطاق تجارت در آن ماده بنده اظهار کردم از کله مطالبی الی آخر ماده علیحده شود گمان میکنم این عبارت افتاده و مقصود بنده از پیشنهاد این بود
 رئیس - نظر دیگری نیست (گفتند خیر) صورت مجلس تصویب شد

* این مذاکرات مشروح یکصد و چهل و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که در ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : حیدری - ملک آرائی - دکتر طاهری - افسر - جشدی - مفتی - شهداد - عدل - اعظم زنگنه - فرشی - مصباح قاطمی - فتوحی - لرستانی - رحیمزاده صادقی - اسکندری - اورنگ - بروجردی - امیر حسینخان - حاج غلامحسین ملک - بزرگ نیا - احتشامزاده - عباس میرزا امیر عامری - فرخی - دکتر امیر اعلم - تیمورتاش
 غائبین بی اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - میرزا حسن بن وثوق - فراگوزاو - پوشهری - مسعود - محمد ولیه - میرزا بیات ماکو - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - مقدم - آقا سید مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - خواجوی - کاشانی
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : روحی - شریعتزاده - دکتر سنک - حاج میرزا حبیب الله امین - اسدی - حکمت - ذوالقدر دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : فیروز آبادی - ناصری - قوام

[۲ - تصویب یکفقره مرخصی]

رئیس - راپرتی از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود

خبر مرخصی آقای حاج سید محمود :

نماینده محترم آقای حاج سید محمود رشتی تقاضای چهل و پنج روز مرخصی از اول مهرماه ۱۳۰۹ نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای زوار :

زوار - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی :

فیروز آبادی - بنده با همان مخالفتی که همه جا داشتم اینجا هم دارم

رئیس - موافقین با مرخصی آقای قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - بقیه شورالایحه استخدام افراد نظامیه از ماده ۱۰]

رئیس - قانون استخدام اعضاء نظامیه از ماده ده مطرح است

فصل دوم - ارتقاء

ماده دهم - مدت طی خدمت در هر رتبه سه سال خواهد بود و شرط ارتقاء تعیین اول بوکیل سومی با ضرفه شرایط فوق داشتن لیاقت و معلومات اداری بر طبق نظامنامه های اداری است

رئیس - آقای زوار :

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب :

آقا سید یعقوب - اینجا گرچه این کلمه در قوانین دیگر هم هست و بقای خبر هم اظهار کرده کلمه لیاقت يك کلمه است که در واقع نمیشود از برای اومصداتی در مقام عمل معین کرد و در نظامنامه معین کرد این باز گذاشتن دست هر اداره است که بمیل خودش بگوید این لیاقت داشته است آن نداشته است عرض کنم که اگر بتوانیم این را بگوئیم که فلانکس لیاقت دارد و فلانکس

ماده ۱۱ - دوره خدمت از هر يك از مراتب سه کانه و کیلی یا مفتشی در صورت داشتن تصدیق سه ساله متوسطه یا دادن امتحان مواد آن دوسال و در صورت داشتن تصدیق شش ساله متوسطه یا دادن امتحان مواد آن یکسال خواهد بود .

مخبر - اجازه میفرمائید اینجا در این چیزی که طبع شده در آخر ماده بعد از امتحان مواد آن که یکسال در طبع افتاده است

مؤید احمدی - بنده خوانده یکسال

رئیس - آقای دشتی :

دشتی - بنده عرضی ندارم همین را میخواستیم عرض کنیم

رئیس - آقای اعتبار :

اعتبار - بنده هم همین را میخواستیم عرض کنیم

رئیس - آقای ملک :

ملک - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی :

کازرونی - موافقم

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود .

ماده ۱۲ و کلازی درجه يك در صورتی بر تبه يك قانون استخدام کشوری و درجه نایب سومی نائل میشوند که سواد کافی داشته و مشمول مواد ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری باشند و یا تصدیق نامه سه ساله متوسطه در دست داشته یا اینکه از عهده امتحان مواد آن برآیند و با مراتب مذکوره در ماده شش را طی نموده باشند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب :

آقا سید یعقوب - در این ماده دوازدهم و سیزدهم در نظر وزارتخانه که لایحه را تنظیم کرده است این جور در نظر گرفته است که فرق بگذارد بین ارتقاء آنها که داخل در پلیس انتظامی هستند با آنها که در تأمینات هستند آنها که داخل در عنوان پلیس انتظامی هستند طریق ارتقاء شان بر تبه اول قانون استخدام کشوری این است

که سه طریق برای قائل شده اند و در ماده ۱۳ برای مامورین تأمیناتی يك طریق بیشتر ندارد و آنچه بنده فهمیدم این است که ماده دوازدهم و ماده ۱۳ خواسته است فرق بگذارد در ارتقاء پیدا کردن یعنی نائل شدن بر تبه اول مراتب استخدام کشوری بین پلیس که مشغول انتظامات است و پلیس تأمینات پلیسی که مشغول انتظامات است طریق ارتقاء و رسیدن بمقام عالیش سه طریق است اما پلیس تأمینات يك طریق بیشتر ندارد و آن طی طریق خدمت است اصل مقصود این است لیکن بنده از نقطه نظر قانون گذاری که ملاحظه میکنند که اینها را قسم هم قرار داده است خواسته يك پیشنهاد صحیحی بکنم که اگر آقایان در نظر داشته باشند و توجه داشته باشند اینها را قسم قرار داده اند میگوید و کلازی درجه يك که همین پلیس انتظامی است در صورتی بر تبه اول قانون استخدام کشوری با عنوان قانون استخدام پلیس که درجه نایب سومی باشد نائل میشوند که دارای یکی از این شرایط باشند اولاً سواد کافی مطلقاً شرط است که سواد کافی داشته است و مشمول مواد ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری باشد این يك طریق ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری این است اشخاصی که سابقاً مشاغل دولتی را داشته اند و در تاریخ شروع اجرای این قانون که گوی در ۳۰۲ بوده است خدمتی را که متکفل نیستند در صورتی منتظر خدمت محسوب میشوند که از تاریخ ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۲۴ (که اول مشروطه باشد) به نظر پنجسال متوالی با هشت سال متناوب و بموجب فرمان همیونی یا حکم وزارتخانه مصدر شغل رسمی بوده باشد پس معلوم شد که پلیس انتظامی در صورتی نایب میشود بر تبه اول قانون استخدام که اولاً آن قید باشد که سواد کافی داشته باشد یا مشمول این ماده باشد که این ماده است که ایجاد میکند منتظر خدمت را فرمان بزرگ منتظرین خدمت همین است که یا در داشتن فرمان همیونی یا حکم وزارتخانه شغل داشته باشد یا اینکه داخل در ماده ۶۶ باشد ماده ۶۶ میگوید : مستخدمانی که

در تاریخ شروع اجراء این قانون مشغول خدمت هستند و یا پاداش سابقه خدمت شاغل یکی از مقامات مندرجه در ماده ۶۳ میباشند مستخدم رسمی محسوب میشوند حالا میخواهم آن را توضیح بدهم خود آقایان میدانند عرض بنده این است که در این ماده میگوید و میخواهد بیان کند که ترقی کردن برتبه اول قانون استخدام کشوری یکی از شرایطش این است که باید مشمول ماده ۶۶ یا مشمول ماده ۷۱ باشد ولی با همان سواد کافی یا اینکه اگر این نباشد یعنی سواد کافی نداشته باشد یا اگر مشمول مواد ۶۶ و هفتاد و یک قانون استخدام کشوری نباشد تصدیق سه ساله متوسطه باید داشته باشد حالا بنده خواستم باقای وثوق صحبت بکنم که در اینجا ما باصطلاح طلبگی خودمان این دورا قسم هم قرار دادیم قسم او که واقع شد یعنی آن نباشد این باشد میشود سه ساله متوسطه داشته باشد اما سواد کافی نداشته باشد غرض این است که این را قسم قرار دادن بحسب سیاق علمیش قسم واقع شدن این نیست چه هست؟ دارنده سه ساله متوسطه عالم هست ولی دارای سواد کافی نیست سابقاً میگفتند که سه ساله متوسطه را دارد اما سواد فارسی ندارد تازه از فرهنگستان آمده است پس باید ما يك کاری بکنیم که اینکه با او قسم شده است آن سواد کافی داشته باشد شرط در هر سه ناست که در هر سه قسم شرط است ولی اینجا قسم از برای همان دوتای تنهاست که مشمول ماده ۶۶ یا ۷۱ است این هم دو تا یا اینکه این هم نیست تصدیق سه ساله متوسطه ندارد در خانه تحصیل کرده است معلوم داشته است یا اینکه خودش زحمت کشیده است از عهده امتحان بر میاید امتحانش میکنند وقتی که از عهده امتحان بر آمد مثل دارنده تصدیق سه ساله متوسطه است یا اینکه مراتب مذکوره در ماده ۶ راطی نموده باشد غرض بنده این بود که آن عبارت یا تصدیقنامه متوسطه قسم سواد کافی قرار داده شده است و حال آنکه قسم با او نیست و بنده خودم در شور ثانی حاضر میشوم

در کمیسیون بلکه عبارت را جویری بکنیم که منقصت علمی در ماده نباشد
مخبر - در ماده ۱۰ ملاحظه فرمودید که طی خدمت رادر هر رتبه سه سال قرار دادیم بعد از سه سال وکیل درجه اول بخواهد با رتقاء نایل شود در حقیقت دو شرط برابرش معین کرده یکی اینکه سواد کافی داشته باشد یا اگر سواد کافی نداشته باشد و درجه معلوماتش بقدری نباشد که بتواند استفاده کند از ترفیع مطابق يك نظامنامه دیگری با او رفتار باید کرد که حالا هم معمول است و مطابق این قانون معمول نمیشود و معلوم است که مطابق مواد ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری باید ارتقاء پیدا کند اگر هیچکدام اینها نشد تصدیق متوسطه را نداشته باشد دیگر مشمول مواد این قانون نخواهد بود ممکن است از تاین درجه سه و تاین درجه دو به تاینی درجه يك رسیده است حالا میخواهد برتبه يك نایل شود همان تصدیق سه متوسطه را داشته باشد کافی است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای زوار موافقت

زوار - بلی

رئیس - ماده ۱۳ قرائت میشود

ماده ۱۳ - ارتقاء مأمور پلیس تأمیناتی برتبه يك قانون استخدام کشوری منوط به طی دوره درجات سه گانه مذکوره در ماده ۶ خواهد بود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقتند؟

آقا سید یعقوب - تخیر بنده اینجا خواستم توضیح بدهند که الان هم عرض کردم که چه فرقی است بین پلیس انتظامی که طریق ارتقائش را سه یا چهار طریق قرار داده اند ولی پلیس تأمیناتی را منحصر بيك راه کرده اند پلیس تأمیناتی هم اگر از عهده امتحان برآید

یاداری معلومات سه متوسطه باشد یا سابقه خدمت داشته باشد چرا و برای چه به او ارتقاء ندهند در صورتیکه در پلیس انتظامی آمدید برای نيل بمراتب مافوق چهار راه برای او باز کردید ولی پلیس تأمیناتی را منحصر کردید به يك راه خواستم ببینم علت چه بوده است اگر مناط فضیلت است که تحصیلات سه متوسطه آن ارتقاء را میاورد اگر در تأمینات هم خدمت کرده است باز باید میاورد اگر از امتحان باشد باز باید بیاید اگر سابقه خدمت است و در سابق مستخدم بوده است اگر در آنجا مناط است در اینجا چرا مناط نیست اینجا منحصر کرده اید ارتقاء پلیس تأمیناتی را بيك راه اما پلیس انتظامی چهار راه برای باز کرده خواستم بدانم این چه فلسفه دارد اگر ندارد عقیده بنده اینست که مساوی قرار بدهیم

مخبر - این را پیشنهاد بفرمائید در کمیسیون اصلاح می شود.

رئیس - ماده ۱۴ قرائت میشود

فصل سوم - طبقه اعطاء پاداش

ماده ۱۴ - پاداشهای اداره نسبت با افراد و ردیف افراد بشرح ذیل است

الف - تمجید کتبی با درج در ورقه خدمت

ب - پاداش نقدی تا يك ثلث حقوق ماهیانه

ج - مدال مسی

د - مدال نقره

ه - اعطاء یکدرجه بدون رعایت مقررات فصل دوم

نصراً - طبقه اعطای پاداشهای فوق بر طبق نظامنامه

جداً گنه خواهد بود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا در قسمت پنج این ماده میگوید اعطاء یکدرجه بدون رعایت مقررات فصل دوم بنده عقیده ام اینست که هر ارتقاء رتبه باید در اثر خدمت و مدت خدمت باشد اگر نباشد در اثر يك خدمت نمایندگی هم ارتقاء رتبه بشود این غالباً تولید اشکال میکنند باید در اثر يك خدمت

نمایند يك حقوق معین و يك مبلغ معینی باو پاداش بدهند بقدر حقوق یکماه یا دو ماه بهتر این است و الا بدون طی مدت خدمت یکمرتبه از يك رتبه پائینی او را برتبه بالا میاورند بنده در اینجا و در هیچ جای دیگر این عقیده را ندارم و ارتقاء رتبه فقط باید در نتیجه طی خدمت باشد و الا تولید اشکال میکند و اسباب زحمت خواهد بود خوب خدمت کرده است خدمت نمایندگی کرده است هر اندازه که میدانند لایق خدمت اوست باو پول بدهند انعام بدهند ارتقاء رتبه بدون مدت خدمت نباشد.

مخبر - بعقیده بنده این ماده برای تشویق مستخدمین نظمیة بهترین ماده ایست که پیشنهاد شده است (صحیح است) زیرا که ممکن است بعضی از مستخدمین نظمیة واقعا در موقع ایفاء وظیفه خودشان را در يك مخاطراتی بیندازند که مستوجب این بشوند که از برای آنها يك رتبه ترقی معین کنند و شما میخواهید بفرمائید که این جور مستخدمین تشویق نشوند و فقط يك ماه یا دو ماه حقوق اضافه برای شان معین کنند این که چیزی نیست و بهترش همان است که در ماده معین شده است و هر يك که بهتر خدمت کردند پاداش هم بهتر ببرند و باید هم همینطور باشد آقا و این تشویق باید بشود (صحیح است)

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - مجازاتهای اداره نظمیة نسبت با جزاء و

ردیف افراد بشرح ذیل خواهد بود

الف - اخطار کتبی بدون درج در ورقه خدمت

ب - توبیخ کتبی با درج در ورقه خدمت

ج - محرومیت از مرخصی سالیانه

د - خدمت فوق العاده تا يك ماه

ه - توقیف یکدرجه بدون کسر حقوق تا یکسال

و - توقیف یکدرجه با کسر حقوق تا یکسال

ز - تنزیل یکدرجه

ح - انفصال از خدمت نظمیة

رئیس - آقای آقا سید یعقوب :

آقا سید یعقوب - بنده عقب بد خودم را از روی اصولی که اتخاذ می‌کنم یعنی از مطالعه قوانین عرض می‌کنم حالا اگر هم بگویند مهمل می‌گوئی بگویند عقیده بنده این است که بقدر امکان قوانین ما باید یک نسق نوشته شود نه اینکه برای هر مؤسسه یک قانون خاصی بگذاریم ما قانون استخدام کشوری نوشتیم . مستخدمه وقتی رسمی شد رسمی است و همان قانون استخدام باید اصولاً شامل حالش باشد و مطابق آن قانون یک مجازاتی دارد یک اعضای هم دارد (پاداش دارد) بعد از آنکه ما آمدیم و اینها را داخل در مستخدمین رسمی قرار دادیم بهتر این است که همه تابع یک قانون باشند حفظ حقوق مأمورین انتظامی ما این است که هم‌طور که در آن جا یعنی در قانون استخدام کشوری مجازات است مجازات اینها هم هم‌طور قرار بدیم پاداششان را هم همان جور قرار بدیم ولی نه اینکه بگوئیم دو جور مستخدمه هستند یا یک خورده مستخدم هستند یا بقول آقای آقا سید که می‌گفتند مستخدم کمرنگ و مستخدم پررنگ هستند بنده هیچ فرقی قائل نیستم و قبلاً قانون گذشت پلیس با آتش و وزارتخانه‌ها هر دو در نظر من مقدس و محترمند هر چند حالا هم هستند . اما من این را در نظر دارم که قانون هر دوی‌شان را وقتی مستخدمه رسمی دانست و وقتی که ما مستخدمه رسمی دانستیم باید نسبت بهر دوی‌شان یک ترتیب باشد از برای اجرای مجازات از برای تعیین و کلائی که در محاکمات حاضر می‌شوند و سایر ترتیبات همه باید یکی باشند همان قانون استخدام کشوری که مادرش پاداش و مجازات برای مستخدمین معین کردیم همان پاداش و مجازات در مورد مأمورین انتظامی هم باشد این یک موضوعی است که بنده عقیده دارم و غالباً هم در کمیسیون عدلیه اظهار می‌کردم (رفقا هستند) عرض می‌کرده که بهتر این است ما قوانین را دستت نکنیم و کم کم بیاییم و این دماغ‌ها را آشنا بقانون بکنیم نه اینکه از برای هر امر جزئی بقدری قانون نوی کله

مردم بریزیم که دست و پای‌شان را گم کنند این یک عقیده‌ایست که من دارم که بقدر امکان قوانین را باهم متناسب کنیم و خیلی نرم و ملایم و هم‌دنده بکنیم . این یک موضوع . موضوع دیگر که میخواهم عرض کنم آقای مخبر از نظر مدرسه و باصطلاح طلبه‌گی مان است . این جا در مرتبه هشتم مجازاتها می‌نویسد : فقره ج - انفصال از خدمت نظمی در نظامنامه که از برای انفصال از خدمت و تقصیرات اینهاست مسلم است که مقرراتی مطابق اصول و قوانین دارد حالا در این جا هم قانون مراتبی برایش ذکر میکند هشت مرتبه اخطار - توبیخ - محرومیت از مرخصی - محرومیت از فلان فلان تا انفصال از خدمت که یک عقاب بزرگی است که شاید مثل جنایت است یا اگر جناحه است جناحه کبیره است خوب اگر منقص از خدمت شد دیگر معنی ندارد قید شود که انفصال از خدمت نظمی آیا پس از انفصال از خدمت نظمی می‌تواند بخدمت دیگر دولتی وارد شود ؟ عقیده بنده این است و قبلاً مجازات بمرتبه هشتم رسید دیگر داخل در هیچیک از خدمات دولتی نمی‌تواند بشود این مرتبه جنایت یا جناحه کبیره است و باید مرتبه سکه رسید محروم از خدمات دولتی است مطلق دیگر قید نظمی نمی‌خواهد این است عقیده بنده در این مورد .

معاون وزارت داخله - البته آیین مجازات تصدیق میفرمایند که طرز خدمات مستخدمین ادارات دولتی با هم متناسب نیست . وظایفی که اعضای نظمی دارند از قبیل اینکه جانی کلمه بروند یا خود را مواجه با فلان خطر کنند فلان مستخدمه و فلان نسبت اداره دارای این وظیفه نیست و این زحمات و خطرات هم برای او متوجه نیست (صحیح است) و اما در قسمت انفصال فرمودند یعنی از قسمت (ه) بیائین چهار قسمتش را موکول کردند بماده ۳۶ قانون استخدام کشوری و این قسمت در ماده بعد (ماده ۱۶) توضیح داده شده است (صحیح است)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - این جا بعنیده بنده یک توفیجی لازم است چون این ماده یک طوری تنظیم شده است که ممکن است

در عمل دچار اشکال بشود - چون در ماده بعد می‌نویسد تا قسمت دال (الف - ب - ج - د) اجرائش با اختیار رئیس نظمی است و از آن بعد (ه - و - ز - ح) مطابق قانون استخدام کشوری بمجا که رجوع میشود خوب این حکم محکمه را کی امضاء می‌کنند ؟ همینطور در قسمت ترفیع - بالاخره مطلب هیچ معلوم نشده که وزارت داخله این کار را خواهد کرد یا نظمی اینکار را خواهد کرد . بنده خیال می‌کنم که هر کدام از اینها که اینکار را خواهند کرد تصریح بشود که دچار اشکال نشوند و یک مرتبه که یک محکمه قرار صادر کرد حکم داد آن حکم را کی اجرا می‌کنند وزارت داخله یا نظمی ؟

کارروئی - این تصریح شده است آقای

مخبر - عرض کنم که در این قانون تصریح شده است که مطابق مقررات ماده ۳۶ قانون استخدام کشوری عمل میشود . در قانون استخدام کشوری مندرج است که باید محکمه اداری تشکیل بدهند و وقتی که محکمه اداری را تشکیل دادند پس از آنکه و محکومیت مجازاتهای معین می‌کنند و البته خود آن محکمه اعضای آن محکمه رئیس محکمه آن را امضاء می‌کنند (منشی اینکار را میکند) اداره مربوطه هم اجرا می‌کند این اشکالی ندارد معینا اگر نظری دارید پیشنهاد بفرمایند تا در کمیسیون صحبت کنیم و مراجعه کنیم .

معاون وزارت داخله - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که جریان عمل تا حالا اینطور بوده است که محکمه اداری ولو در نظمی تشکیل شده باشد صدور حکم محکمه و اجرائش بامر وزیر داخله بوده است (صحیح است)

اعتبار - صحیح است . این را باید نوشت

رئیس - ماده شانزدهم قرائت میشود :

ماده ۱۶ - اجرای مجازاتهای مقرر در فقرات : الف ب - ج - د ماده فوق بدون مجا که در حدود اختیار رئیس کل نظمی است و در ولایات با رعایت درجه بندی که در نظام نامه مجازات اداری کل نظمی قید شده است

در اختیار رؤسای نظمی خواهد بود و اجرائی فقرات ه - الي ح چه در مرکز و چه در ولایات بر طبق مقررات ماده ۳۶ قانون استخدام کشوری بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب :

آقا سید یعقوب - بنده در عرض می‌کنم که می‌گویم چون وقت میل ندارم که حتماً کسی با من موافق باشد بجهت اینکه من از روی مطالعه و دقت اگر عریضی بکنم باصطلاح یکی از ادباء لایه‌ی الوحده ان شاء الله العالی و وقتی که دلیل و برهان با من مساعد شد من تهت هم بشم هیچ اهمیت ندارد . در اینجا بحث جوانی قوی و معون مجازات دادند که بنده حالا باید ماده ۳۶ را بخوانم تصدیق کنندگان هم ملتفت باشند بعد جواب عرض می‌کنم معذرت می‌کنم که در خارج از روی بخوانم برای رسیدگی بقصورت اداری تشکیل میشود نمیتواند مختص در مجازاتهای مذکور در فقره ۶ و ۷ ماده ۳۸ مجازات نمایند در صورتیکه تقصیر مقرر مستمر یکی از مجازاتهای فوق باشد مجازات او محکمه که در مرکز تشکیل میشود رجوع خواهد شد خوب بنده چه گفتم و این جواب بنده بود که همه تن تصدیق میکنند ؟ بنده عرض کرده که انتقال از خدمت نه در مرتبه هشتم واقع میشود (اینجا نوشته است انفصال از خدمت نظمی) اگر کسی دارای همچو عقوبتی شد که انفصال از خدمت نظمی باشد این انفصال از خدمت دولت باید شد دیگر نظمی لازم ندارد وقتی که رسید این مرتبه از عقاب و جریمه و مستخدمه انفصال از خدمت بود معذرت باید منفسل شود از خدمت دولت خوب این چه ربطی اینجا دارد ماده ۳۶ چه ربطی با این عرض بنده دارد . قطع نظر از اینکه جواب بنده داده نشد آنچه را هم که آقای اعتبار فرمودند لازم است و این ماده هنوز درست نیست برای خاطر اینکه این جا می‌آید و محکمه اداری پلیس ها را معین میکند و اینجا هشت مجازات از برای عقاب آنها هست از این هشت مجازات چهار تریس را یک جور قرار میدهد و چهار تریس را هم بنظر محکمه قرار میدهد که باید محکمه درست کنند و آن چهار تریس

اولی بدون محاکمه در حدود اختیارات رئیس کل است و در ولایات با رعایت درجه بندی که در نظام نامه محاکمات اداری کل نظمیہ قید شده است اجرا میشود از «ه» بیائین هم که توقیف يك درجه بدون كسر حقوق تا يكسال توقیف يكدرجه با كسر حقوق تا يكسال - تنزيل يكدرجه انفصال از خدمت نظمیہ باشد بر طبق ماده ۳۶ قانون استخدام آقای اعتبار این را که سؤال کردند این طریقی را بیان نکردند که آیا این امر در وزارت داخله خواهد شد یا در جای دیگر و جوابی که آقای اعتبار دادند که مطابق ماده سی و شش است. ماده سی و شش که این را بیان نمی کند ماده سی و شش یکی از مطالب کلی را بین می کند و میگوید: محاکمی که در خارج از پای تخت برای رسیدگی بتقصیرات اداری تشکیل میشود نمی توانند مقصر را بمجازاتهای مذکور در فقره الی آخر دیگر این جا معین نکرده است که چه ترتیبی است و در این چهار مجازات آخری چه ترتیبی رعایت میشود محاکمه اش کجا است رئیس محاکمه اش کیست: وزارت داخله است. وزارت خارجه است وزارت عدلیه است کمیسیون مجلس است کیست؟ اینکه ربطی بآن صحبت های بنده نداشت که می فرمائید صحیح است. صحیح است.

مخبر - محاکمه اداری برای این قسمت از مستخدمین نظمیہ در خود نظمیہ میشود و همانطور که آقای معاون توضیح دادند بعدی فرستند بوزارت داخله که بامضای وزیر داخله برسد وبعد مجازات بشود. اما اینکه می فرمائید يك همچو مستخدمی از خدمت نظمیہ تنها چرا منفصل میشود این قانون را ما از برای اداره نظمیہ و مستخدم نظمیہ می گذرانیم نظمیہ راجع بمستخدمین خودش این قانون را میگذرانند اگر يك همچو مستخدمی پیدا شد باین ترتیب از خدمت نظمیہ منفصل میشود حالا حضرتعالی نظر آن بالاتر است و میفرمائید از خدمات دولتی منفصل بشود پیشنهاد میفرمائید.

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود:

این بنده پیشنهاد میکنم در ماده پانزدهم فقره ذیل اضافه شود: - انفصال از کلیه خدمات دولتی رئیس - ماده هفدهم قرائت میشود:

ماده ۱۷ - افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم مربوطه دیگر تبرئه حاصل نمودند باید حقوق ایام تعویق آنها که در بودجه نظمیہ محفوظ می ماند بانها تأدیه شود

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - اینجا در ماده نوشته است باید حقوق ایام تعویق آنها (تعویق) معنی ندارد باید تعلق باشد حقوق ایام تعلق آنها.

آقاسید یعقوب - صحیح است تعلق باید باشد

مخبر - (خطاب بمنشی) اصلاح بفرمائید تعلق باید بشود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - این ماده مورد يك اعتراض قابل توجهی است که حالا بعرض میرسانم در ماده می نویسند: افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم دیگر تبرئه حاصل نمودند اینجا در فرض میشود یا ممکن است این فرض بشود که مرتکب جنحه و جنایتی شده باشد بمحکمه عمومی مراجعه شده باشد یا مرتکب تقصیرات اداری میشود که در محکمه اداری محاکمه میشود و مینویسد معلق میشوند علی ای حال در مورد تعقیب اداری يك مستخدمی تعلق او و انفصال موقت او از خدمات نه در اینجا قید شده است و نه در جای دیگری پس بنا بر این تصور اینکه کسیکه در تحت محاکمه اداری است معلق از خدمت باشد در اینجا مورد ندارد مستخدمی که در تحت محاکمه اداری است باید کار خودش را انجام بدهد تا محکمه تکلیفش را معین کند مگر اینکه منتظر خدمت باشد که آنوقت مشمول قاعده عمومی است در هر صورت اگر دولت نظرش اینست که حق انفصال موقت یعنی حق تعلق بنظمیہ داده شود این باید تصریح بشود مادام که

تصریح نشود این ماده تصویب صحیح نیست زیرا که معنایش اینست که هر مستخدمی از این بعد در تحت تعقیب واقع شود میتواند او را موقه از خدمت معاف کرد در صورتیکه از این قانون همچو چیزی مستفاد نمیشود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - این اشکال آقای شریعت زاده وارد نیست برای اینکه الان در کلیه وزارتخانه ها و ادارات دولتی معمول است مأموری که طرف سوء ظن وزارتخانه و اداره واقع میشود و محکمه اداری برای رسیدگی تشکیل میشود این مأمور از شغل خودش موقه منفصل است پس از تعیین تکلیف در صورتیکه تبرئه شود حقوق ایام گذشته او را معمولاً میدهند در این جا هم همین منظور را خواسته است بیروبراند و بعقیده بنده اگر همینطور باشد بهتر است برای اینکه يك مستخدم در صورتیکه قبل تعقیب باشد نمیتواند سرکار باشد این مورد ندارد که همچو چیزی را می فرمائید.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده خواستم اولاً آقای اعتبار را توجه بدهم يك موضوع و آن این است که بنده آنچه توجه کردم عرض آقای شریعت زاده را ایشان توجه فرمودند صحبت این نیست که فرمودید صحبت این است که چرا میگویند اصلاً ما قانون را این جور مینویسیم که در موقع عمل دست شما کم باز باشد. میگوید این جا شما این حق را بدهید که او معلق است یا منتظر خدمت است محکمه نمی تواند اینکار را بکند. ایشان این را می گویند حالا اشکال خودم: در این جا میگوید: افراد و ردیف افراد در صورتیکه در محکمه اداری یا محاکم مربوطه دیگر تبرئه حاصل نمود باید حقوق ایام تعلق آنها... شما از این تصدیقاتی که فرمودید معلوم شد که قانون استخدام نظمیہ ربطی به آن قوانین ندارد این يك قانون استخدام دیگری است و پادشاهی دیگری مجازاتهای دیگری دارد و قتیکه بنا را بر عاید قرار دادید پس باید معین کنید که بکجا میرود بمحکمه اداری؟ بکدام

محکمه اداری محکمه اداریش در کدام وزارتخانه است؟ تا در ماده قانون سابق یا در قانون دیگری این را بیان نکند که نمیتواند این را عطف کنید يك موضوعیکه خارج از موضوع خودش است. شما می نویسید که وقتی در محاکمه اداری تبرئه حاصل نمودند شما که مستخدمین نظمیہ را دارای يك قانون استخدام مخصوصی دانستید و مجازات و پاداش مخصوصی برایشان قائل شدید باید محکمه اداریش را هم معین کنید. باید نظرش را معین کنید. محکمه اداریش کجاست؟ شما که گفته اید این جا. آن ماده ۳۶ هم که مستخدم این نبوده پس باید معین کنید که از رتبه بعد بعد تقصیرات آنها در محکمه اداری وزارت داخله است. و اگر جنایت باشد که مسئله حقوقی می شود و باید در محاکم عدلیه باشد تا این ماده با او مرتبط شود. این است عرض بنده. حالا پیشنهاد هم میکنم.

مخبر - توضیح واضح است. اینکه در قانون استخدام همین موضوعی که این جا است مصرح است که اگر مأموری تبرئه حاصل کرد باید حقوق ایام گذشته او را بدهند. شغلش را هم برش بدهند. در سایر قوانین هم مصرح است در اینجا هم محکمه اداری معین است. هر مستخدمی که از هر وزارتخانه شد محاکمه اداری او هم در همان وزارتخانه تشکیل میشود و باید در محاکمه در وزارتخانه مربوطه اش تشکیل شود این را هم آقای معاون توضیح دادند که در نظمیہ تشکیل میشود و اشخاص آنچه شما که میفرمودید منتهی حاکم محاکمه را هم وزیر داخله باید اعضا کند و در این صورت هیچ جای تدریسی نیست.

کازرونی - میگویند قانون خاصی است؟

مخبر - این معین است

کازرونی - چه رسمی بین دارد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده تصور میکردم بقدری که لازم بود بنده مطلب را بطور روشن عرض کردم. آقایان توجه بفرمائید تعلق دو قسم است. يك وقت تعلق

مستخدمی است که در نتیجه تعقیب اداری کشف يك اتفاقی جنبه و جنایتی میشود این ارجاع به محکمه عمومی میشود و در این صورت تصدیق میشود که آن مستخدم موقتاً منفصل شود تا تکلیف او معین شود. لیکن هیچ اصلی در اینجا وجود ندارد که يك مأموری که مورد تعقیب اداری واقع شد و گفته شد که این شکایت او قابل تعقیب است معنی شود! اگر نقطه نظر این است که این مأمور نظریه جهانی نباید مشغول کار باشد که قانون برای این کار راه باز گذاشته و مقتضیات اداری اجازه میدهد که او منتظر خدمت شود. پس کله تعلیق مخالف يك اصل مسلمی است. تعلیق معنایش این است آن مستخدمی که می رود تحت محاکمه از خدمت معاق است در غیر این مورد هیچ مستخدمی را بدون حکم انتظار خدمت نمی توان منتظر خدمت کرد و معاق دانست. قانون استخدام کشوری هم که چنین اجزای را نمی دهد در قوانین دیگر هم نیست. این است که بنده تقاضا میکنم آقایان در شور دوم توجهی باین موضوع فرمایند.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم حضور مبارک در قانون استخدام کشوری طبقه محاکمه کاملاً تصریح شد. در این جا نوشته: اولاً تا درجه چهارم خود رئیس نظمییه حق دارد که آنها را مجازات کند و بقیش را موکول کرده است. بقانون استخدام کشوری و قانون استخدام کشوری در ماده ۳۸ معین کرده که طریق محاکمه چیست؟ سه نفر قاضی معین میشود باینکه نفر مدعی العموم، رسیدگی می کنند و در ضمن محاکمه اگر دیدند کار جنبه یا جنایت است مطابق ماده چهل قانون استخدام باید رجوع کنند بمحاکم عمومی. وقتی که به محاکم عمومی رفت برطبق ماده ۴۱ آنگاه این محاکم عمومی جلب نکند یا بانجا از طرف محاکمه اداری ارجاع شود، آن مستخدم منفصل موقتی است در خود قانون هم تصریح دارد که از وقتی که جلب محاکمه میشود یا محاکمه اداری ارجاع میکند امر

را به محکمه عمومی مستخدم منفصل موقت است تا اینکه در محکمه عمومی با تبرئه شود یا مقصر واقع شود محکمه اداری منتظر میشود تا حکم محکمه عمومی بر گردد. آنوقت او مطابق همان رأی محکمه عمومی حکم صادر می کند. مگر آنکه محکمه عمومی از جنبه جنبه مستخدم را تبرئه کرده باشد لکن يك تقصیر اداری هم داشته باشد که باز محکمه عمومی رسیدگی خواهد کرد و رأی صادر خواهد کرد. فقط بنده تقصی که در این ماده می بینم این است که يك تبصره بر این ماده باید علاوه شود که طریق محاکمه مطابق ماده سی هشت و سی و نه و چهل و چهل و يك قانون استخدام باشد در این صورت رفع همه اشکالات میشود. پیشنهاد پیشنهاد کرده ام.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده تبصره ذیل را بماده هفده پیشنهاد میکنم.

طریق محاکمه برطبق ماده ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ قانون استخدام کشوری است.

پیشنهاد دیگر آقای مؤید احمدی.

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۷ - کلمه تعویق تبدیل به تعلیق شود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

پیشنهاد میکنم تبصره اضافه شود.

تبصره - محاکمه اداری محاکمه هست که در نظمییه تشکیل و حکم ارجاع را وزیر داخله خواهد داد محاکم مربوطه محاکمی است که در قوانین کلیه برای متخلفین مجازاتی معین کرده است.

رئیس - ماده ۱۸ قرائت میشود.

فصل پنجم - در تقاعد و وظایف

ماده ۱۸ - از تاریخ تصویب این قانون از مقرری ماهیانه تمام افراد و ردیف افراد وجوه ذیل کسر و بصندوق تقاعد کشوری تحویل میشود.

الف - از مقرری ماهیانه صدی پنج

ب - مبلغ اضافه مقرریهایی که بعدها بانها داده میشود

در ماه اول اخذ آن اضافه

ج - وجوهیکه ممکن است در موقع مرخصی از مقرری آنها کسر شود.

د - وجوه حاصله از محکومیت و جرائم اداری

تبصره - وجوه مذکوره در فوق فقط از حقوق ثابت

افراد و ردیف افراد کسر خواهد شد بوجه دیگر از قبیل

مدد معاش انعام و غیره کسوری تعلق نخواهد گرفت

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در این ماده در قسمت (ج) نوشته

وجوهیکه ممکن است در موقع مرخصی از مقرری آنها

کسر شود در موقع مرخصی چه وجوهی ممکن است از

حقوق آنها کسر شود؟ اگر مرخصی با اجازه است که

کسر نمیشود اگر هم بی اجازه است که بن مرخصی گفته

نمیشود و اگر از آن یکماه مرخصی است که قبلاً حق

دارد که از آن کسر نمیشود پس غرض از این عبارت

که نوشته در موقع مرخصی اداری از آنها کسر میشود

چيست چون مطلب را بنده تفهیمه توضیح خواستم.

معاون وزارت داخله - برای استحضار خاطر آقا

عرض میکنم که اساساً مستخدمین نظمییه با غیر نظمییه

استفاده از مرخصی قانونی خودشان کرده اند و بی

اتفاقات فوق العاده بدست آمده است که مجبور شده دوباره

مرخصی خواسته است ده روز بیست روز بیشتر یا کمتر

البته آن بی حقوق خواهد بود و حقوق آن ایام کسر

خواهد شد یا اینکه مستخدمی بمرخصی رفته است و

طول مدتش بیشتر از حق قانونیش بوده است آن اضافه

را کسر میکنند

رئیس - آقای کازرونی.

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - گرچه اساساً بنده با این ترتیبی که

از قوانین اخذ شده است موافقم و خیلی خوب است دولت

اگر بتواند مواظبت کند وجوهی پس اندازی برای

مستخدمی تهیه کند یعنی ما باید ملت را عادت بدهیم که پس انداز کند. اساساً وضع اینقوانین از آن چیز هائی است که همیشه توجه من بآن بوده است که مجلس شورای ملی باید قوانین وضع کند و مردم و ملت را عادت بدهد بدخیره کردن تا اینکه برای روز مبادا يك چیزی پس انداز کند در اینجا اساس اینست و بی بنده با این صد پنج مخالف و زیاد است بواسطه اینکه حقوق آنها کم است و شما باید میزان بگیرید بخارج شهر را يك فرد پلیس که زن دارد و بچه دارد اگر بخواهید صد پنج از حقوق آنها کسر کنید اینرا بنده عقیده ندارم و مال اینها را باید صد دو قرار دهید برای اینکه همین زندگیشان بشود ترتیب زندگانی يك جویری واقع شده است که معلوم است پریروز مخصوصاً بنده در راه میآمده میدیده که دو نفر از همین آنها صحبت میکردند مثل اینکه قانون را دیده بودند که میگفتند این کسر ها که هست ما دیگر چطور زندگانی کنیم بنده بصادی پنج مخالف هستم زیرا حقوق کم است ۲۳ تومان است ۲۴ تومان است و بنده پیشنهاد میکنم صد دو کسر شود حالا بامیسبون میباید ملاحظه میفرمائید این مطابق تناسب قانون است همین مناسبت و تناسب اینجا صد پنج نوشته شده است

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده اعتراضی ندارم میخواستم عرض کنم با نظریکه آقای معاون اتخاذ کرده اند راجع بشق (ج) بهتر اینست این مطلب در شور ثانی تصریح شود که اگر زیاده از حد قانونی مرخصی گرفته اند قاعدتاً باید از حقوقشان کسر شود و آنقسمت از وجوهیکه در مقابل این مرخصی ها کسر میشود صرفه جوئی و ضبط میشود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - این عبارتیه در اینجا نوشته شده نظر بنده مخالف قانون محاسبات عمومی است اولاً این قسمت

(ج) نوشته وجوهیکه از مقرری آنها کسر شود همچو

چیزی ممکن نیست برای اینکه مجوز قانونی میخواهد اینجا هم که نوشتیم ممکنست کسر شود بنده نمیدانم که فرضش چیست و چطور ممکنست کسیکه در مرخصی باشد حقوقش کسر شود اگر چنانچه در مرخصی هست با اجازه که حقوقش را میگیرد اداره تصویب میکند اجزه او را با قید باینکه حقوق بگیرد و بکوقت هم مرخصی میدهد بدون استفاده از حقوق این مربوط بتقاعد نیست اگر مستخدمی یکماه مرخصی گرفت با استفاده از حقوق و ناخوش شده بعد دوباره تقاضا کرد و بعد اداره تصدیق کرد دو ماه دیگر هم تو مرخصی داری ولی چون قانون نمیتوانی این دو ماهه بدون حقوق خواهی بود این حقوق دو ماهه اش را وزارت قلمبه از بیست صرفه جوئی ضبط میکنند و اصلاح نمیدهد بنظمیه که مربوط باشد بصندوق تقاعد و اصلاً این زبیدی است و باید حذف شود و این برخلاف قانون محاسبات عمومی است و صلاح نیست که ما قانون محاسبات عمومی را بتدریج در قوانین دیگر سوهان کنیم . موضوع دیگر وجوه حاصله از محکومیت و جرائم اداری است اینهم موضوع ندارد در تمام وزارتخانهها در تمام ادارات هرچه وجوه جرائم است باید داده شود بخزانة عمومی و صرف عایدات اداری است شما بودجهها را نگاه کنید يك ارفاقی بابت عایدات نظمیہ قید شده است در صورتیکه جزو عایدات عمومی مملکت است و دخلی بنظمیه ندارد و اینقسمت هم باید روشن شود که آیا نظمیہ میخواهد صندوق تقاعد مستقلى داشته باشد یا صندوق تقاعد همین است که برای تمام مستخدمین است اگر اینطور است که این قیدها را نمیکند و باید نوشت مطابق قانون استخدام

وزیر داخله (آقای سعیدی) - عرض کنم این البتہ پیشنهادی

است که از طرف وزارت داخله شده است و مقصود این بوده است که اجازه از طرف مجلس شورای ملی صادر شود که صرفه بحال مستخدمین نظمیہ داشته باشد اگر مجلس موافقت میکند که این وجوه جرائم بانها داده شود که خوب يك قانونی

وضع میشود اگر هم موافقت نمیکنند ما اصراری نداریم مقصود این است ما نخواستیم برخلاف محاسبات عمومی کاری کرده باشیم قانونی است که بمجلس پیشنهاد کرده است و مجلس هم البته آزاد و مختار است ما خواستیم يك ارفاقی درباره اینها شده باشد (صحیح است)

رئیس - ماده ۱۹ قرائت میشود:

ماده ۱۹ - عموم افراد و ردیف افراد نظمیہ با رعایت یکی از مقررات ذیل میتوانند تقاعد خود را از خدمت بخواهند

الف - از ۱۵ الی ۲۰ سال خدمت بشرط داشتن ۴۵ سال عمر يك نك از آخرین حقوق

ب - از ۲۰ سال خدمت بیلا نصف آخرین حقوق

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده معنی این ماده را نفهمیده ام زیرا در ابتدا معین میکند که تا بیست سال خدمت و چهار و پنج سال عمر میتواند تقاعد خودش را تقاضا کند بعد مینویسد نك آخرین حقوق یعنی چه ؟ اگر چه مقصود معلوم است یعنی باید مطابق يك نك آخرین حقوق تقاعد بانها داده شود اما در ابتدای ماده هیچ اشاره برین امر نیست فقط میگوید اشخاص ذیل میتوانند تقاضای تقاعد بنمایند در صورت چهل و پنجسال عمر نك آخرین حقوق بیست سال خدمت نصف آخرین حقوق این است که باید عبارت را طوری بکنید که بتوانند با این شرط تضامی تقاعد بکنند و قبول بشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم مقصود این بود که این ماده يك ماده غربی است و حالا اصلاحش را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بعلاوه آن قسمتی که آقای فهیمی اظهار کردند اینجا قسمت ۱۵ الی ۲۰ سال را بنده نمیفهمم چیست ؟ پانزده سال متوالی مقصود است ؟ بیست سال

که کردیم متناوب است ؟ اگر صرفاً ۱۵ سال کسی خدمت داشت میتواند متقاعد شود ؟ باید گفت هر کسی ۱۵ سال خدمت دارد متقاعد میشود بعلاوه بنده بشرط سن مخالف هستم در قانون استخدام هم این شرط بود و اگر آقایان در نظر داشته باشند باز حتی این شرط را برداشتم برای اینکه ما از آنطرف در قانون قید کردیم در سن بیست سالگی میتواند مستخدم نظمیہ شود وقتی که ما این را در قانون قید کردیم که اگر ۱۵ سال خدمت کرد میتواند متقاعد شود ممکن است که این چهل و چهار سال داشته باشد چهل و چهار سال و ششماه یا هفت ماه داشته باشد مثلاً از چهل و پنجسال یکماه کمتر داشته باشد آنوقت این آدم محروم است از تمام مدت این خدمت و برای یکماه نمیتواند استفاده از حقوق تقاعد بکند پس این اصلاً معنی ندارد و قتیکه ما میگوئیم از سن بیست سالگی میتواند وارد خدمت شود بعد هم بیست سال خدمت برای او قائل می شویم که میتواند متقاعد شود دیگر این شرط سن را چرا قائل می شویم مثل قانون استخدام اساساً این شرط سن را باید از این جا برداریم بعلاوه این پانزده سال و بیست سال را توضیح بدهید که مقصود چیست ؟ آیا پانزده سال متوالی است که میتواند تقاضای تقاعد کند یا متناوب با یکی از این دو یا بیست سال یا پانزده سال هر کدام را که در نظر میگیرید تصریحاً بنویسید .

مخبر - مقصود این جا از پانزده الی بیست اشتغال بخدمت است و مقصود متناوب و متوالی نیست و در آن جا هم توضیح داده شده است اشتغال بخدمت و این ترتیب در عمل اداره تقاعد آلا ن هم موجود است و مقصود متوالی است و اینطور این جا قید کردیم . اما چهل و پنجسال که میفرمائید این ترتیب در قانون استخدام هم هست ممکن است کسی چهارده سال و پانزده ماه و بیست روز سابقه خدمت داشته باشد و از برای ده روز کسر از این حق محروم شود (اعتبار - قانون استخدام اصلاح شد) اگر آن اصلاح شد این جا هم پیشنهاد بفرمائید .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - این جا هم در قسمت (الف) میگوید از پانزده الی بیست این توضیح داده شود که چهارده سال تمام از ابتدای پانزده سال است تا بیست سال یا خیر داخل در بیست است ؟ اگر بیست سال تمام باشد در فقره دو باید بگوید از بیست و یکسال خدمت به بالا آنوقت از بیست به بالا نمیشود باید بگوید از بیست و یکسال به بالا بنده خواستم يك توضیحی این جا داده شود که در موقع اشکالی پیدا نشود .

مخبر - توضیح دادم از پانزده سال الی بیست سال تمام دیگر بیست و یکسال ندارد

فیروز آبادی - بسیار خوب .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در تنظیم این ماده بنده نفهمیدم که چه فکری مدخلت داشته است و وفق بنده حساب کردم دیدم هیچ تفاوتی بین این جا و قانون استخدام نیست غیر از اصل کلی که در قانون استخدام است مثلاً کسی که بیست سال خدمت کرده است و نود تومان حقوق دارد بنا بر این قسمت اول بایستی که يك نك از حقوقش را بگیرد و خارج شود يك نكش میشود سی تومان و بر طبق قانون استخدام اگر بنا شود که متقاعد شود يك شصتم میشود پانزده قران در بیست سال باز میشود سی تومان و هر يك از این شقوقی را که بنده مذاقه کردم دیدم مساوی میشود با هم بنابراین فلسفه ندارد که ما چیزی را تغییر بدهیم در قانون بهتر اینست که آقای وزیر داخله موافقت بفرمایند که همان اصول نامه سابقه در مملکت اجرا شود

مخبر - اینجا تغییری بر آن داده نشده است ولی در مدت خدمت اگر مینوشتیم مطابق قانون استخدام آنجا بیست و پنج سال و سی سال مدت خدمت را تعیین کرده است اینجا مقصودتان اینست که بیست سال باشد و الا اینجا هم مثل قانون استخدام است

شریعت زاده - بیست سال قرار بدهید با شرایط قانون

آقا سید یعقوب - کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود (آقا سید یعقوب - آقای وثوق کوش بده) عموم افراد و ردیف افراد نظمیہ با رعایت یکی از مقررات ذیل میتوانند تقاعد خود را بخواهند :

- ۱ - پانزده سال متوالی یا بیست سال متناوب
- ۲ - خدمت بیست و پنجسال که حتماً متقاعد خواهد بود تبصره - متقاعد اول ثلث آخر حقوق - متقاعد دوم نصف آخر حقوق

رئیس - ماده بیستم قرائت میشود

ماده ۲۰ - نظمیہ نیز میتواند مطابق مقررات مندرجه در ماده فوق افراد و ردیف افراد را با تصویب وزارت داخله متقاعد نماید

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود در این ماده نوشته شده است که خود نظمیہ هم میتواند افراد یا ردیف افراد را با رعایت مقررات ماده فوق متقاعد کند در صورتیکه باید رعایت ماده ۱۹ بشود این قید یک قید زائیدی است و اساس این ماده لزومی ندارد زیرا اگر همان طور که گفتیم آن شرایط وجود داشته باشد و خودش تقاضا نماید وزارت داخله و نظمیہ میتواند متقاعد کند ولی بنظر بنده این مدت خیلی زیاد است و این مبلغ هم خیلی کم است آقای شریعت زاده فوراً ذهنشان رفت به آن مستخدمی که در نظمیہ نود تومان بگیرد و در ماده پیش نوشته است عموم مستخدمین نظمیہ و عموم افراد و ردیف افراد فکر آژانها را بکنند که هشت تومان نه تومان در ولایات حقوق بگیرند فرضاً بیست سال خدمت کرد بیست سال بصدقات خدمت کردن کار سهل و آسانی نیست تازه که می خواهد حقوق تقاعد بگیرد آخرین حقوقش نه تومان بوده است میشود سه تومان با سه تومان چطور با عائله اش زندگی کند بعقیده بنده ثلث که در ماده قبل نوشته است کم است و باید مطلقاً نوشته شود نصف مخصوصاً باید تفکیک بکنند آنهایی که مستخدم هستند از سی و

دو تومان یا الا مثل سایر مستخدمین و آنهایی که از سی و دو تومان باین هستند یعنی افراد و ردیف افراد آنها را یک سهم بیشتری بهش بدهند که بتواند زندگی کند دیگر اینکه وقتی وزارت داخله و خود نظمیہ خواست متقاعد کند دیگر رعایت مقررات ماده قبل لازم نیست چرا برای اینکه غالباً آقایان می بینند دولت مجبور می شود برای مثلاً یک مستخدم گمرک ده تومان شهریه می آورد بمجلس چه شده است که این لایحه را می آورد چون قانون استخدام اجازه نمیدهد که اگر فرضاً یک مستخدم با یک آژانی سر خدمت تلف شد یا دولت خواست متقاعدش کند دید که از کار افتاده است یا پیرمرد شده است این برای اینکه چهارده سال خدمت دارد چیزی سهمش نمیشود باید این را بنظر دولت و وزارت داخله گذاشت و قید نکرد که حتماً سن مدخلیت دارد که ولو دهسال خدمت داشته باشد و قبیله یک پیرمردی در خدمت نظمیہ بود و عمرش را هم در خدمت دولت گذرانید دیگر کاری ارزش ساخته نمیشود دولت آنرا متقاعد کند و یک چیزی بهش بدهد و قید این که شرایط و مقررات فوق را داشته باشد لزوم ندارد بنظر بنده در این ماده عبارتی نوشته شده است رعایت مندرجات ماده فوق حذف شود و نوشته شود بطور مطابق نظمیہ و وزارت داخله میتواند اگر مقتضی بشود مستخدمین را متقاعد کند و چیزی هم برایشان برقرار کند منتهی اگر بخواهند لایحه هم بمجلس بیاورند .

مخبر - عقیده حضرت عالی خیلی خوب است از آقای وزیر داخله هم من پرسیدم موافقت میفرمایند پیشنهاد بفرمائید برای شور دوه اصلاح میشود اما اینکه میفرمایند بخود نظمیہ این اختیار داده شود البته شرایطی هم میخواهد و الا اگر اختیار بدهید بنظمیہ بی شرایط هر کس را میخواهد متقاعد بکند این بحث نقصی دارد و باید یک فورمولی پیشنهاد بفرمائید که این نقص هم مرتفع شود ما هم موافق هستیم .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در این ماده یک قید اساسی هست که در

قانون استخدام هم اشاره شده است قانون استخدام برای هر طبقه از مستخدمین در حقیقه مثل یک کنتراتی است که مابین دولت و مستخدمین است میگوید من با این شرایط شمارا قبول میکنم و با این شرایط هم حقوق و رتبه خواهم داد بعد فلان خدمات را هم از شما تقاضا خواهم کرد از هر حیث مطابق یک کنتراتی است که طرفین باید آرا رعایت کنند این قسمت بخصوص که در قانون استخدام در این قانون بخصوص حق مستخدم را حذف کرده موقع تقاعد یک موقعی است که اختیار بامستخدام است که تقاعد خود را تقاضا کند یک موعده هم حق بدولت دادیم که حتماً دولت او را متقاعد کند . برای افراد نظمیہ که اینجا مطرح است ۲۵ سال یا ۲۰ سال خدمت و چهل و پنجسال هم عمر اگر داشته باشد حق دارد و میتواند که تقاعد خود را تقاضا کند این حق اوست اگر باین حد رسید حق دارد که بگوید من میخواهم متقاعد شوم و از خدمت معاف شوم یک حد بالاتری را هم باید معین کرد مثلاً پنججاه و پنج سال یا شصت سال اگر رسید دولت اصلاً حق داشته باشد که او را از خدمت نظمیہ معاف کند ولی دیگر حق اولی را که مختص بخود اوست بدولت نباید داد که دولت بدون اینکه او سنش از چهل و پنج سال متجاوز باشد یا مدت خدمتش از ۱۵ سال بیالا باشد آنرا هم حق داشته باشد متقاعد کند این حق مستخدم است مگر اینکه یک معایبی در کار باشد مثلاً یک آدم چهل و پنجساله سنش اینقدر نیست که از عهده خدمات برآید یا یک معایب اداری مثلاً تقصیرات اداری برای او قائل شوند دیگر محتاج این نظر نیست این است که بنده می خواهم حتی که برای او معین می شود از او گرفته نشود و بدولت داده نشود در این تاریخ خود او تقاضا را بکند و در یک تاریخ بیشتری این حق را بدولت بدهند و در ضمن همان اظهاری که آقای یاسائی کردند و قبیله بنا شد متقاعد شوند افرادی که دارای حقوق کمی هستند برای تقاعدشان باید مبلغ بیشتری

فکر کرد چنانچه در قانون استخدام هم اگر نظر آقایان باشد یک شرطی معین شده است حتی برای وراثت که حقوقشان از فلان میزان نباید کمتر باشد برای اینکه چون افراد مدنی خدمت میکنند زحمت میکشند و قبیله از کار افتادند یا نخواستند خدمت کنند یا دولت نخواست آنها را نگاه دارد البته دیگر عمر گذشته آنها برنمیگردد و از دست رفته است بایستی با آن پول عمری صرف بکنند یا اینکه بروند در آن مدت دچار فقر و پریشانی و گدائی بشوند لاقین بده انداز قوت لایموت باید داشته باشد هشت تومان و ده تومان و دوازده تومان تصدیق بفرمائید این قدر نیست که کفاف زندگانی یک عده را بکند بنا بر این اصلاً این ماده را زائد میدانم بهتر این است آقای وزیر داخله یک ماده دیگری معین کنند یا یک سن بیشتری پیشنهاد کنند که در آن سن هم دولت حق داشته باشد آن ها را متقاعد کند مثل اینکه در قانون استخدام هم همچو قیدی هست که سن مستخدمه هفتادسال که شد دولت اصلاً آنها را مرخص میکند و متقاعد میکند در اینجا هم این قید را بکنند که حق طرفین محفوظ مانده باشد

جمعی از نمایندگان - کافی است .

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود :

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

بنده در ماده بیست پیشنهاد میکنم اینطور اصلاح شود نظمیہ نیز میتواند افراد و ردیف افراد را با تصویب وزارت داخله متقاعد نماید مشروط بر اینکه مدت خدمت آنها متناوباً یا متوالیاً کمتر از ده سال نباشد

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم ماده بیست حذف شود

رئیس - ماده بیست و یکم قرائت میشود :

ماده ۲۱ - مستخدمینی که قبل از رسیدن سن تقاعد فوت میشوند دو ثلث از کسوراتی که صندوق تقاعد پرداخته اند و حقوق ایام سه ماه مرخصی قانونی که استنداده نموده اند دفعه بطور تساوی بورثه قانونی آنها پرداخته

میشود مستخدمینی که در راه انجام وظیفه تلف شده با میشوند ورثه آنها مطابق ماده ۲۲ مستحق دو ثلث از آخرین حقوق تلف شده خواهند بود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود در این جا آمده است بجهت وراثت اشخاصیکه فوت شده اند تساوی قرار داده است در آن چیزی که در صندوق تقاعد است در کشور تقاعد و همچنین از حقوق سه ماهه مرخصی قانونی که استفاده ننموده باین معنی که پسر و دختر و عیال بطور تساوی از این ارث در واقع میبرند یا برادر و خواهر در واقع بطور تساوی ارث میبرند بنده اینجا این عقیده را ندارم برای اینکه پسر لابد خرجش قطعاً زیادتر از دختر است بجهت اینکه صاحب عیال و اینها است خرج خودش را بدهد خرج آنها را بدهد چه بدهد چه بدهد اما دختر ممکن است سر بکمان برود شوهر بکند خرجش را دیگری متحمل شود بهمین نظر است که در اسلام هم آمده است و تساوی قائل نشده است یا آمده است حبوه قرار داده است بجهت پسر بزرگ چون خرج پسر بزرگ بعد از فوت پدر زیاد از دیگران است خوب است در اینجا هم رعایت میشد بقدر سهم الارث قرار داده میشد که سهم پسر که خرجش زیاد از دختر است دو مقابل باشد این مساوی قرار دادن کسیرا که خرجش غالباً زیادتر است با کسی که خرجش غالباً کم است کمانم این است مساوی بودن خوب نباشد.

مخبر - این ترتیب در قانون استخدام هم بوده است و عمل هم شده است تا زکی ندارد... (فیروز آبادی - آنجا هم ظلم است)

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده اگرچه نمیدانم نسبت بمطلب این ماده در قانون استخدام کنونی چه جور پیش بینی شده شده اما نظر شخصی خودم را عرض میکنم و معتقدم که این ماده در يك قسمتی مخالف انصاف تنظیم شده زیرا وجوهی که بعنوان تقاعد از مستخدمین کسر میشود تشکیل سرمایه را میدهد برای اینکه بخود آنها در يك مواقعی

داده شود حالا که فوت شده است هیچ دلیلی نیست که يك قسمتی از آن کسر شود مال خودش است و ورثه استحقاق دارند و باید بابتها دفعه داده شود ولو اینکه مصایبی که بنده عرض میکنم بقانون استخدام موافق نباشد بنده به این مطلب موافقم و او را صحیح میدانم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم نظرم موافق نظر آقای شریعت زاده است و نظرم این است البته در قانون استخدام همینجور است که در اینجا نوشته شده است حالا قانون استخدام کار خوبی نکرده باشد بهتر این است که اینجا آقای وزیر داخله و آقای مخبر اصلاح بکنند این قانون را که هر چه را او پرداخته است بهش پس بدهند دیگر چرا دو ثلث چهارده سال خدمت کرده است و نمیتواند استفاده از حقوق تقاعد بکند هر چه پول داده است بهش پس بدهند

کلالی - پیشنهاد کنید

رئیس - آقای کیا فرمایشی دارید؟

کیا فرمایشی - آقای مخبر توجه میفرمائید در لایحه سابق این تذکر را بنده دادم و وعده فرمودید که اصلاح شود و تصریح بفرمائید که در موقع عمل مامورین دچار اشکال نشوند چنانچه در ماده بیست و دو دقت کردید کمین میکنم این توضیح ضروری ندارد زیرا این لفظ هم در آن لایحه و هم در این لایحه ممکن است مورد اشکال واقع شود باین جهت بنده تقاضا میکنم همانطوری که فرمودید اینجا هم تلف را تصریح بفرمائید که اعم از فوت و قتل باشد.

مخبر - در لایحه گذشته فرمودید نظر جنابعالی را گنجانندیم در اینجا دیگر پیشنهادی نداده بودید وعده هم نشده بود و خود تلف هم این معنی را دارد (صحیح است) و از روی ندارد که توضیح بدهیم

رئیس - ماده ۲۲ قرائت میشود

ماده ۲۲ - وراثت افراد و ردیف افراد وقتی مستحق وظیفه از دولت میشوند که شرایط ذیل را دارا باشند:

الف) ورثه ذکور کمتر از ۲۱ سال داشته باشد

ب) ورثه اناث شوهر اختیار نکرده باشد سهم ورثه ذکور که از ۲۰ سال تجاوز کند و سهم ورثه اناث که شوهر اختیار نماید و همچنین سهم آشنائی که فوت میشوند سهم سایر وراثت افزوده میشود.

تبصره - هرگاه اولاد ذکور یا اناث علیل المزاج (مدامیکه آن وضعیت بی استی) یا ناقص الخلقه باشد و از عهده کار بر نیاید از حقوق تقاعد سهمی خود استفاده مینمایند

رئیس - ماده ۲۳ خوانده میشود

آقاسید یعقوب - عرض دارم

ماده ۲۳ - افراد و ردیف افراد مشمول مواد ۴۴ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ قانون استخدام کشوری میباشد.

رئیس - ماده ۲۴ قرائت میشود

فصل ششم مواد مخصوصه

ماده ۲۴ - کلیه افراد و ردیف افراد نظمی که در تاریخ تصویب این قانون مستخدم نظمی هستند جزء مستخدمین دولت محسوب و تمام مواد این قانون شامل حال آنها خواهد بود

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود:

ماده ۲۵ - اشخاصیکه در قشون و سایر ادارات دولتی سابقه خدمت داشته و بخدمت نظمی پذیرفته میشوند خدمت گذشته آنها جزو سابقه محسوب و در صورتیکه کسور تقاعد را بصندوق تقاعد پرداخته باشند باید مطابق ماده ۱۸ تأدیه نمایند

رئیس - ماده ۲۶ قرائت میشود

ماده ۲۶ - وزارت مالیه مکلف است تعرفه خدمت این قبیل مستخدمین نظمی را که مشمول مقررات این قانون میشوند پذیرفته و با در نظر گرفتن سوابق خدمت گذشته آنها سند خدمت صادر نمایند

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده نفهمیدم اینجاده را برای چه

ذکر کردید اینجاده را محتاج نیست وقتیکه اینها رامستخدم رسمی دانستید مسلم است میکند نمیتواند نکنند در اینجاده ۲۴ و ۲۵ اینها را داخل کردیم مستخدم رسمی شدند خوب وقتیکه شدند باید ورقه شان داده شود مگر نمیتوانند ندهند مگر از جهت باید باشد (حالا اگر آقای دکتر حسن خان بیرون آنجا بنشینند و ایراد بگیرد) ایراد ندارد اینها مستخدم رسمی هستند

وزیر داخله - مستخدم رسمی هستند ولی سند خدمت برایشان صادر نشده و آن قانونی هم که بود برای صدور سند خدمت مواعظ منقضی شده و حالا اداره تقاعد قبول نمیکند این ماده میگوید که باید صادر نماید

رئیس - ماده ۲۷ قرائت میشود

ماده ۲۷ - عموم مستخدمین با رتبه نظمی میتوانند پس از ۲۰ سال اشتغال بخدمت بدون رعایت سن از مقررات ماده ۲۳ فصل چهارم قانون استخدام کشوری استفاده نمایند نظمی نیز میتواند پس از بیست سال خدمت مقررات ماده چهارم و سه قانون استخدام کشوری را در باره مستخدمین خود بموقع اجرا بگذارد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود که بنده اینجا باملتفت نشدم بادر این قانون چیزی نیست که اشاره شده باشد بماده ۷۳ قانون استخدام راجع بحقوق انتظار خدمت مستخدمین اگر مقصود این است که مستخدمین نظمی مقید باشند بحقوق انتظار خدمت ندهند آن يك حسابی است و بالاخره باید برای همه وزارتخانهها احسان يك نواخت بشود ولی اگر مقصود این است که داخل شوند در این لایحه چیزی نیست و ماده هفتاد و سه قانون استخدام را باید رعایت کرد و الان هم عمل در این است بهرحال محروم کردن مستخدمین نظمی از حقوق انتظار خدمت مورد ندارد مگر اینکه يك تصمیم کلی برای عموم مستخدمین بگیرند.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - اینجا آقای یاسائی ماده ۲۳ قانون

نظمیه پس از آنکه مستخدم رسمی واقع شدند میشود منتظر خدمت شوند و به منتظر خدمت هم باید حقوق داد
رئیس - آقای یاسائی .

یاسائی - عرض میشود . بنده هم متذکر بودم که این ماده ۴۳ است و مربوط هم به ماده ۷۳ نیست ولی يك موضوعی که در يك لایحه عنوان ندارد ناچار باید در ماده آخر تذکر داد بنده هم این نظر را الان بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد میکنم .

رئیس - رأی میگیریم بورد شور دوم موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .
[۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم شد]

رئیس - اظهار میشود که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) اگر موافقت فرمائید جلسه آینده يك شنبه ۳۰ شهریور باشد (صحیح است) سه ساعت قبل از ظهر . دستور ذغال سنک مشهد و شرکت تلفن . (مجلس مقارن ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

استخدام کشوری است مگر ندیدید نگه کنید چهل و سد است باین ماده اشاره میکنند عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند :

- ۱ - سی سال خدمت و شصت سال عمر .
 - ۲ - پنجاه و پنجسال عمر و بیست سال خدمت
- مگر اینکه آن نظری که حضرتعالی بیان کردید ماده الحاقیه باشد که حالا که مستخدمین نظمیه را مستخدمین رسمی دانستیم باید همانجوری که بمستخدمین رسمی حقوق انتظار خدمت داده میشود به اینها هم داده شود اگر این نظر است بنده هم موافق هستم با آن نظر . غرض این است که این چیزی که در این ماده که حالا خواندیم اشاره شده بسوی ماده ۴۳ این است و این مربوط به منظور شما نیست آن منظور شما ماده الحاقیه است پیشنهاد کنید بنده هم موافقم که مستخدمین رسمی